

چگونگی به کار گیری مولفه های میان افزایی جهت ارتقای منظر شهری بافت تاریخی با هدف تقویت حس مکان

1- پوران سلمانی آفاق، 2- سجاد اکبری بالدرلو، 3- مظفر عباس زاده

- 1- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشکده معماری، شهرسازی و هنر دانشگاه ارومیه
- 2- استادیار گروه معماری دانشکده معماری، شهرسازی و هنر دانشگاه ارومیه
- 3- استادیار گروه معماری دانشکده معماری، شهرسازی و هنر دانشگاه ارومیه

(نویسنده اول): Poranafagh368@gmail.com

(نویسنده دوم): s.balderlu@urmia.ac.ir

(نویسنده سوم): mo.abbaszadeh@urmia.ac.ir

چکیده

فضاهای شهری و بناهایی که در بافت های تاریخی شهرها واقع شده اند در جهت مواجه شدن با نیازهای جامعه ی معاصر، به طور دائم در حال تغییر و رشد هستند، حفاظت از بافت و بنای تاریخی، کمک به تقویت حس مکان، در کنار پاسخگویی به تغییر ارزش های فرهنگی، اجتماعی، زیبایی شناختی و انتظارات جامعه، معرفی معماری معاصر و افزودن لایه تاریخی مرتبط به آن به لایه های تاریخی موجود از مسائل مورد توجه در بافت تاریخی است که در این مسیر، توسعه میان افزا به عنوان یک انگیزش هویتی و راهکار عملیاتی در بافت های تاریخی مطرح است. حال در این پژوهش، هدف، چگونگی کاربست صحیح مولفه های میان افزایی در جهت موثر بودن این انگیزش هویتی در ارتقای منظر شهری بافت تاریخی و به تبع آن تقویت حس مکان در این بافت ارزشمند است. در این راستا، از روش تحقیق تحلیلی- توصیفی استفاده شده است و روش گردآوری اطلاعات، مطالعه ی کتب و پژوهش های مرتبط می باشد. نتایج حاکی از آن است که کاربست هدفمند مولفه های میان افزایی در عین ارزشمند شمردن زمینه (تاریخی) و طراحی در میان آن در راستای حفظ و ارتقاء کیفی و کمی بافت که با میراث مادی و معنوی بافت تاریخی همخوانی داشته باشد می تواند تاثیر مثبتی در خوانش منظر شهری بافت تاریخی داشته که به تبع آن رضایت شهروندان و افزایش حس مکان در بافت تاریخی را به دنبال خواهد داشت.

کلمات کلیدی: میان افزایی، بافت تاریخی، منظر شهری، حس مکان

1- مقدمه

شهرها و زمینه های تاریخی جهت مواجه شدن با نیازهای جامعه ی معاصر ، به طور دائم در حال تغییر و رشد بوده و خصوصیت شهرها در طول زمان به واسطه حضور معماری هر دوره تغییر می کند . از این رو بیشتر اوقات ، خصوصیت یک مکان ، ترکیبی از سبک های مختلف است ؛ آنچه که در این میان مهم می باشد ، این است که این سیر تحول ادامه یابد و به این ترتیب سرزندگی مکان ها پیوسته تداوم داشته باشد . در این راه ، معماری امروز ما میراثی برای آیندگان و لایه دیگری را در این مجموعه ی میراثی سبب می شود و به این ترتیب بخشی از خصوصیت و هویت شهرها را شکل می دهد .

اما در اثر دخالت هایی که در طول یک قرن گذشته در شهرهای تاریخی ما صورت گرفته است ، تعامل نه چندان مطلوبی میان بافت تاریخی و اجزای جدید میان افرا در آنها رخ داده است این روند در اثر فقدان مبانی نظری و رویکرد و نگرش اصولی همه جانبه ، عملا چهره ای آشفته و پریشان به شهرهای ما داده است و هویت تاریخی ما را خدشه دار کرده است . این گونه پاسخ گویی و دخالت ها در بافت های تاریخی به صورت اصولی انجام نشده است در نتیجه لازم است تا بناها و ساختارهای جدید صورت عالمانه در بافت تاریخی قرار گیرند تا بتوانند موجب احیا ، سرزندگی و پویایی و افزایش کیفیت فضای شهری بافت های تاریخی شوند [2] .

از این رو حیطة ی معماری باید نگاهی جامع به مساله داشته باشد. حفاظت از بافت و بنای تاریخی، کمک به پیوسته بودن و کلیت شهر، احیا و بازگرداندن زندگی شهری به بافت، در کنار پاسخگویی به تغییر ارزش های فرهنگی، اجتماعی، زیبایی شناختی و انتظارات جامعه، معرفی معماری معاصر و افزودن لایه تاریخی مرتبط به آن به لایه های تاریخی موجود از وظایف معمار در طراحی داخل بافت تاریخی است [3] .

منصوری معتقد است بافت های تاریخی فضاهایی خاطره انگیز را می آفریند . هرچه در کم و کیف این خاطرات یاد شده نقصان افتد. از شدت اشتراک ذهنی و مفهومی نسل های گوناگون کاسته می شود و در نتیجه آن اجتماع جدید . خود را کم خاطره از تاریخ و به تبع آن بی هویت خواهد شناخت [4] . توجه به منظر بافت های تاریخی هم از جهت شناخت کیفیت های بی نظیر فضایی و هم از نقطه نظر نقش حیاتی این بافت ها در شکل گیری خاطرات جمعی مردم از شهر بسیار مهم است. منظر شهری که تبلور سه بعد احساسی ، فرهنگی و اکولوژی است ، در شهرهای تاریخی سبب پایداری رابطه انسان با شهر و حیات بخشی به آن می شود . در واقع منظر شهری اولین چیزی است که افراد آن را درک می کنند ؛ بنابراین می توان با ساماندهی منظر شهری بافتهای تاریخی ، حدود نیمی از راه را برای ساماندهی بافت های تاریخی پیمود . از نظر حیبی و همکاران نیز توجه به منظر این بافته ا و سعی در ایجاد هماهنگی ساخت و سازهای جدید و قدیم به دلیل هویت بخشی و روان سازی جریان زندگی در محیط شهری ، باید مد نظر قرار گیرد [5] .

لذا در این پژوهش سعی بر آن است که واکاوی ویژگی های کیفی میان افزایشی و بررسی رابطه ی آن با پارامتر های موثر در منظر شهری ، منجر به دستیابی به راهکارهایی موثر بر ایجاد ساختار میان افزا در راستای ارتقای منظر شهری بافت تاریخی هدف تقویت حس مکان گردد .

2- معماری میان افزا

افزودن ساختارهای جدید به بافت تاریخی، یکی از مؤثرترین و کاراترین روش های مداخله به شمار می آید. این ابنیه می توانند با تغییراتی که در محیط ایجاد می کنند، موجب تقویت ابعاد مختلف بافت تاریخی شوند. در این میان آنچه اهمیت دارد، لزوم ارائه ی معماری است که علاوه بر همگامی با شاخصه های عصر خود. همزمان با میراث مادی و معنوی بافت تاریخی همخوانی داشته باشد [6].

ارزشمند شمردن زمینه (تاریخی) و طراحی در میان آن در راستای حفظ و ارتقاء کیفی و کمی بافت، در رویکرد معماری میان افزا به خوبی دیده می شود. معماری میان افزا از مفهوم های رویکرد معماری زمینه گرا است. میان افزایی تفکری است که هر رخداد را مانند عملی جداناپذیر از زمینه موجود و مستمر با آن می داند [7]، [8]. این رویکرد از راهکارهای مؤثر در پاسخگویی به نابسامانی های ایجادشده در شهرها و بی توجه به بافت تاریخی بوده و پیوندی میان سبک های مختلف ایجاد می کند. هماهنگ شدن بنای جدید و محیط پیرامون، با توجه به محیط کالبدی، پیشینه فرهنگی، تاریخی و مکانی از پیامدهای این رویکرد است [9]، [10]. جریان مستمر تاریخی در عین توجه به پیشرفت روزافزون، تفکرات آینده نگرانه و امکان توسعه در آینده، موجب استمرار و احیای هویت مکان یافت موجود می شود [11]، [12]. یک اثر در ارتباط با نظام شهری و در مجموعه ای بزرگ تر مورد تحلیل قرار می گیرد. درواقع، پیوندی میان معماری و شهرسازی برقرار کرده و یک واحد کارا ایجاد می کند [13]، [14].

مباحثی چون همگونی مقیاس ها، پیوستگی و ایجاد ارتباط نما با زمینه، انسجام تک بنا، ردیف بودن بازشوها، رنگ بنا، آب و هوا، اقلیم و غیره در رسیدن به یک واحد منسجم لازم است [15]، [16]. دیدگاه های ارائه شده در حوزه معماری میان افزا در بافت های تاریخی شامل: ساخت و سازهای جدید در بافت های تاریخی، دیدگاههای صاحب نظران معمار، مرمت، شهرسازی و طراحان شهری، دیدگاه ها و نگرش های منعکس در معاهدات و منشورهای بین المللی، دیدگاه ارائه شده پیرامون کلیدواژه ی «تداوم تاریخی» دیدگاه ارائه شده پیرامون کلیدواژه ی «انسجام»، دیدگاه ارائه شده پیرامون معماری در «زمینه» و «زمینه گرایی» در معماری است [17]. وجوه خاص طراحی معماری در برخورد با بافت های تاریخی را می توان بدین شرح بیان نمود: ۱- کالبد معماری (گونه شناسی، الگو مواد و مصالح، دانه بندی، عرصه و اعان، جزئیات معماری، محیط طبیعی برامون) ۲- پیوستگی و یکپارچگی بافت تاریخی و بافت پیرامون ملحق به آن ۳- کاربری (سیالیت و تطابق با محیط اطراف) ۴- شبکه دسترسی ۵- منظر بافت تاریخی (تراکم، پراکندگی، خط آسمان) ۶- مالکیت [18]، [19]. درجدول (1) گزیده ای از نظرات صاحب نظران بیان شده است.

جدول (1): مولفه های کیفی میان افزایی درون بافت های تاریخی (6) (به استناد [18]، [20]، [1]، [17]، [21]، [22]، [23]، [24])

نویسندگان	سال	مولفه های کیفی میان افزا
ترک زبان، محمد مرادی	1390	توجه به کالبد، پیوستگی و یکپارچگی، کاربری، شبکه دسترسی، منظر بافت تاریخی و مالکیت

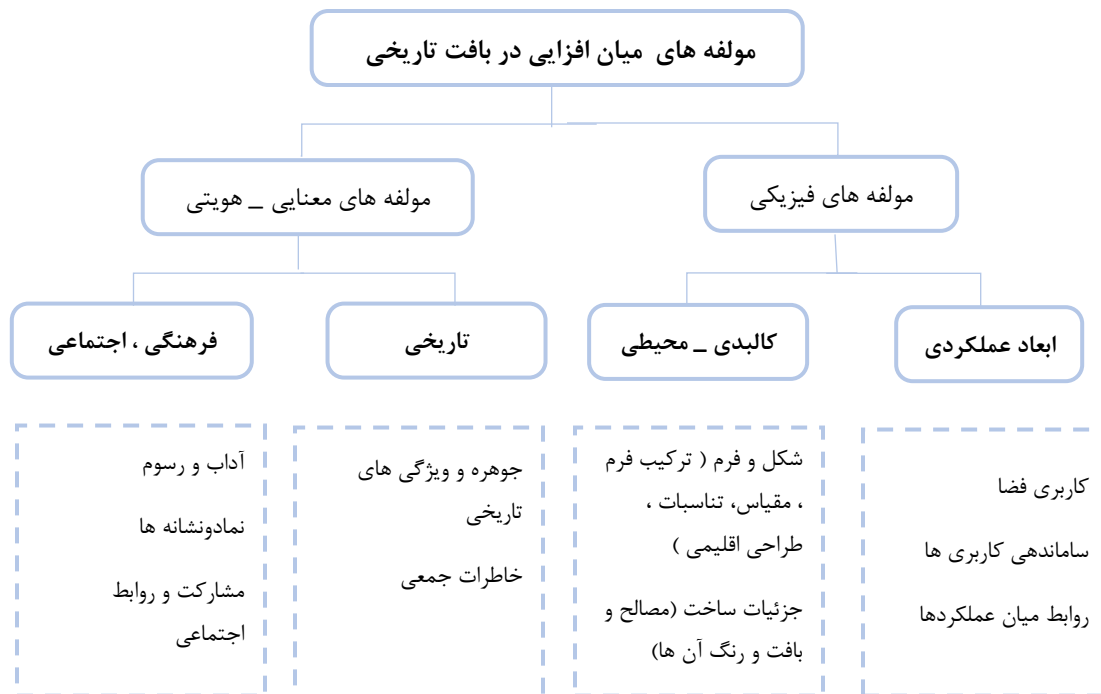
یوجانگ	2012	ساختارهای جدید در صورت حمایت از هویت بافت شهری اقدامی پایدار در استای ارتقای ساختارهای اقتصادی و گردشگری است .
شاه تیموری ، مطاهریان	1391	توجه به کاربری ، موقعیت قرارگیری ، مقیاس ، شکل ، مصالح و جزئیات بافت تاریخی
مسعود ، بیگ زاده	1392	شناخت مولفه های کالبدی و غیر کالبدی ، توجه به شیوه بیان خلاقانه « انسجام » و هماهنگی ، الهام از کهن الگوهای بومی به منظور حفاظت از ویژگی های فرهنگی مکان و هویت بومی بدون الزام به تقلید از گذشته ، ارتقای کیفیت زندگی در بافت ، تکمیل و ارتقای معماری و شهر تاریخی از طریق طراحی مطلوب معماری میان افزا
کینتینگ و واحد	2015	تداوم در فعالیت های مربوط به گذشته بیشترین و هم خانوادگی کمترین تاثیر را بر هویت شهر دارد
یگانه و بمانیان	1394	بسته به ماهیت و نوع فضا ، میران و نحوه اثرگذاری هریک از ابعاد کالبدی ، فضایی ، اجتماعی _ فعالیتی و نمادین بر پیوستگی متغیر است
علوی زاده ، اسلامی ، حبیب	1397	ارجحیت الگو گرایی در ابعاد کالبدی (ساختاری ، بصری ، فضایی) و عملکردی (فعالیتی و ادراکی) بر فرم گرایی
تقوی ، مطاهریان	1398	دوری از افراط و تفریط در عین توجه توأمان به زمینه تاریخی و معاصر ، تلاش در جهت حفظ انسجام و تداوم

2-1 – مولفه های میان افزایی در بافت تاریخی

میان افزایی در بافت تاریخی شهرها را باید در قالب جزئی از یک کل در نظر گرفت ؛ چرا این بنا در حوزه ی شهرسازی در قالب جزئی است که برای تأمین اهداف کل (بافت تاریخی و شهری) عمل و در حوزه ی حفاظت نیز جزئی است که الزامات حفاظتی مرمتی بافت تاریخی را تأمین می کند . بنابراین ، برای ساختار جدید ، بنای تاریخی مجاور ، بافت تاریخی و بافت شهری ، کلیت و مرجعی به شمار می آید و این جزء افزوده شده ، می تواند با کلیت اطراف خود هماهنگ و همخوان باشد . هم چنین می تواند از آن تبعیت و پیروی نیز نکرده و جزئی منفک از کل باشد . اما از آنجا که این کلیت ، بافت تاریخی و ارزش مند است ، جایگاه مهمی در ابعاد مختلف کالبدی و غیر کالبدی دارد . پس بنای افزوده شده نباید بی توجه به یافت باشد [6] .

بر این اساس کلیدواژه ی هماهنگی و هم خوانی که در اصل نوع ارتباط میان جزء و کل را تعریف می کند . مبنای مناسبی برای دستیابی به مولفه های کیفی میان افزایی در بافت تاریخی است . البته تلاش برای ارائه ی طرحی هماهنگ با بافت تاریخی به معنای ارائه ی طرحی است که به موجب آن هماهنگی کالبدی و غیر کالبدی بافت تقویت شده یا ارتقا یابد . برای دستیابی به این منظور ، باید مفاهیمی که به نحوی منجر به ایجاد هماهنگی و هم خوانی میان جزء جدید و بافت تاریخی می شوند ، مورد بررسی قرار گیرند . برای این کار ، مطالعات مربوط به ایجاد شکل منسجم برای شهر و لزوم پیوستگی در منظر شهری و تاریخی مبنای مناسبی هستند [22]، [6] .

ساختار جدید در بافت تاریخی ملزم است هماهنگ و همخوان با شاخصه های بافت باشد. به همین دلیل زمینه گرای مناسب ترین رویکرد برای مطالعه ی انسجام بخشی به بافت تاریخی در جریان میان افزایی ها است. در زمینه گرای، زمینه، محل اتصال جزء (ساختار جدید) و کل (بافت تاریخی) معرفی می شود [25]، [23]. تولایی (1386) سه زمینه ی اصلی را چنین ارائه می دهد: زمینه های کالبدی، فرهنگی اجتماعی و تاریخی. قنبری (۲۰۱۴ م.) نیز این زمینه ها را در چهار دسته گروه بندی کرده است: زمینه ی کالبدی، تاریخی، فرهنگی - اجتماعی و اقلیمی. هوژرلیس و دیگران (۲۰۱۴ م.) این زمینه ها را در دو دسته ی کلی ارائه می دهد: زمینه ی اجتماعی و کالبدی. زیرک و اشتاری (۲۰۱۴ م.) نیز ابعاد زمینه گرای را با ترکیب دو الگوی گوینس و قنبری در سه بعد تدوین کرده است؛ زمینه ی کالبدی - تاریخی (الگوهای شکلی)، زمینه ی فرهنگی - اجتماعی (الگوهای رفتاری) و زمینه ی اقلیمی (الگوهای طراحی اقلیمی) [26]، مهرابی (۲۰۱۶ م.) نیز این ابعاد را در دو دسته ی کلی عوامل وابسته محیط طبیعی و مصنوعی تقسیم بندی کرده است. بر اساس تمامی مدل‌های ارائه شده و مبتنی بر شاخصه های بافت تاریخی می توان مولفه های میان افزایی را با تکیه بر زمینه های مطرح شده برای بافت تاریخی و هم چنین نتایج حاصل از مطالعات بین رشته ای آن چنین دسته بندی کرد: مولفه های کالبدی و محیطی، مولفه های عملکردی و مولفه های تاریخی، فرهنگی - اجتماعی [6]. در شکل (1) به دسته بندی کلی مولفه های میان افزایی اشاره شده است.



شکل (1): مولفه های میان افزایی در بافت تاریخی [6]

بررسی چگونگی ارتقای کالبد و منظر شهری، از طریق احیای ارزشهای فرهنگی - تاریخی ساکنان یک شهر، همواره وابسته به دیدگاههای عینی، ذهنی و عاطفی استفاده کنندگان از فضای شهری است. کیفیت فضا، هویت مکانی، تعاملات اجتماعی و اجتماع پذیری و ارتباطات غیرکلامی از حوزه هایی هستند که دیدگاه و نگرش انسانها را در تعریف یک فضای شهری شکل می دهند. منظر شهری، به عنوان بازتاب دهنده فرهنگ و تاریخ شهر، می تواند این تعریف را بیان کند و حتی ادراکات موجود در ذهن استفاده کنندگان از فضا را تضعیف یا تقویت نماید. منظر شهری، هنر یکپارچه کردن بصری و ساختاری مجموعه ساختمانها، خیابان ها و مکان هایی است که محیط شهری را می سازند [27]. به بیان دیگر، منظر فضای شهری، همه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت است و در فرآیند ادراک پردازش می گردد. این اطلاعات شامل فرم، عملکرد و معای فضا و بخشی از کل شهر است که ناظر آن را در یافت می کند [28].

دیدگاه منظر شهری در ارتباط انسان و محیط در استفاده از فضاهای بیرونی، ناشی از پایگاه فلسفی و دکترین حاصل از شکستن نگاه کلاسیک علمی به انسان و هستی است. از سوی دیگر، برای ارتقای کیفیت شهر، تخصص های مختلفی در این حوزه، دخیل هستند و تصور بیشتر آنها بر پایه جهان دوقطبی دکارت بنا شده است. این امر سبب می شود که برای دخالت در شهر تنها ابعاد کالبدی آن در نظر گرفته شود و از جنبه های اجتماعی و معنایی آن غفلت شود. نظریه منظر شهری که این جهان دوقطبی را درهم می شکند، از دریچه ای دیگر به شهر می نگرد و آن را موجودی مستقل از زمان و مکان نمی پندارد که تنها در ابعاد مورفولوژیک معنا شود؛ بلکه شهر را موجودی پویا و در حال حرکت می بیند که تغییر می کند و با خود، دامنه فرهنگ، جامعه و نگاه انسان را نیز تغییر می دهد. شهر در نگاه امروز، تنها در کالبد خلاصه نمی شود؛ بلکه روحی را درون خود در جریان دارد که همزمان و توأمان حاصل تعاملات اجتماعی و حیات مدنی در فیزیک و کالبد شهر است. به طور کلی منظر شهری تلفیق سه گانه ای از منظر عینی شهر، منظر ذهنی شهر و منظر عاطفی شهر است که مبنای رفتار قرار می گیرد [29]. طبق تعاریف محققان و اندیشمندان این حوزه می توان ابعاد منظر شهری را طبق جدول (2) دسته بندی کرد.

جدول (2): مولفه های ابعاد منظر شهری از دیدگاه نظریه پردازان مختلف [30] (به استناد [28]، [29]، [31]، [32]، [33]، [34]، [35]، [36]، [37]، [38]، [39]، [40]، [41]، [42])

صاحب نظر	ابعاد منظر شهری مطرح شده
Lynch, 1960	ادراکی، فیزیکی، عملکردی
Cullen, 1961	بصری و ساختاری
شریفیان ثانی (1380)	عوامل طبیعی، عوامل مصنوعی
Swaffield, 2005	عوامل عینی، عوامل ذهنی
پاکزاد (1384)	فرم، عملکرد، معنا
گلکار (1385)	عوامل عینی، عوامل ذهنی و عوامل عاطفی
محمودی (1385)	پایداری، هویت، زیبایی، وحدت

بصری، کالبدی، فضایی، فعالیتی، هویتی، محیطی	گرچی (1385)
بصری، عملکردی، معنایی	رضازاده (1386)
عوامل کالبدی، عوامل غیر کالبدی، فعالیتهای انسانی	بهزادفر (1387)
زیبایی شناختی، فرهنگی، عملکردی، هویتی	کریمی مشاور و همکاران (1389)
عوامل طبیعی و عوامل مصنوعی	فرهودی و تیموری (1389)
کالبدی، بصری، فرهنگی	کیانی و سالاری (1390)
عینی(عواملی طبیعی و مصنوعی)، ذهنی(رویدادهای فرهنگی، حوادث تاریخی، خاطرات، روابط، تعاملات انسانی	فیضی و اسدیپور(1392)

3-1- ابعاد منظر شهری

براساس تعاریف و ابعاد مفهومی منظر شهری ارائه شده توسط اندیشمندان مختلف، منظر شهری در دو بعد عینی و ذهنی و سه مؤلفه ۱- زیباشناختی 2- معنایی - ادراکی و 3- عملکردی - فعالیتی طبقه بندی می شود که در شکل (2) به صورت نموداری بیان شده است.



<p>هویتی - مکانی (ارزش های فرهنگی / تاریخی)</p> <p>تعلق (هویت مندی مکان)</p> <p>خوانایی (تصویر ذهنی از مکان)</p>	<p>کالبدی (مصنوعی / طبیعی)</p> <p>مبلمان و تجهیزات شهری - کف سازی - بافت و تزئینات</p> <p>جداره ها - تندیس ها و المان های تعاملی</p> <p>نورپردازی پوشش گیاهی - درختکاری .. آب و آب نما</p> <p>بصری</p> <p>هنرهای خیابانی و تجسمی - نمای ساختمانها -</p> <p>محصوریت و تناسبات بنا - کیفیت رنگ - تقارن بدنه ها -</p>	<p>نوع فعالیت های موجود در فضاهای عمومی (انتخابی، ضروری، اجتماعی)</p> <p>ارتباطات غیرفعال و فعال</p>
---	--	--

3-2- منظر شهری بافت تاریخی

فضا و منظر در یک بافت تاریخی مجموعه ای از عوامل طبیعی و مصنوع است که تحت تاثیر ویژگی های طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن شهر شکل گرفته و محل به وجود آمدن مشخصات خاص شهر است. موضوع منظر شهری در بافت تاریخی مقوله ای دو بعدی است که از یک سو به مولفه های محسوس و بصری فضا و از سوی دیگر به شرایط ذهنی و معنوی فضا می پردازد. که شامل ابعاد تاریخی، خاطره ای و هویتی است. ساختار فضایی بافت تاریخی مجموعه ای از شهر است که دارای تقسیم بندی های متفاوتی می باشد. این امر بیان گر آن است که هر مکان با توجه به جایگاهی که دارد، نه تنها باید واجد ویژگی های خاص خود باشد، بلکه باید توقعات سطح بالاتر خود را نیز برآورده سازد [43]. بافت تاریخی به عنوان یک فضای شهری کیفیات زیبایی، نظم، وحدت، هویت، هماهنگی، ماندگاری، پایداری و تغییر پذیری را نیز دارا می باشد. طرز قرار گرفتن اجزا و عناصر در مقابل یکدیگر و ساختار و روابط قانون مند درونی اجزا بافت را شاکله بخشیده اند [44].

منظر شهری بافت های تاریخی همواره شاخصهای هویت و حس تعلق به مکان را در ارتباط با انسان و محیط بیان می کنند و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان ها هستند؛ چرا که بر اساس مقیاس انسانی طراحی شده اند. به بیان دیگر، احساس تعلق به مکان و یافتن هویت مکانی خاص، سبب افزایش ارتباط انسان با محیط شده است.

4_ حس مکان

این مفهوم را می توان یک ارزش کیفی تعریف نمود که به واسطه مواجه شدن با مکان، با حضور انسان از آن دریافت می شود؛ به بیان دیگر، حسی جاری در مکان است که بناست توسط مخاطب، ادراک شود؛ علاوه بر این، این حس در محیط، بر جنبه رضایتمندی و مانایی وی در فضا هم تأکید می ورزد؛ این هماهنگی براساس ساختارهای مکان صورت می پذیرد و همچنین مکان را به لحاظ عملکردی، معنادار می سازد. «حس مکان، شخص را به گونه ای با محیط پیوند می دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی محیط، به یکپارچگی می رسد» [46].

ارتقای کیفی ساختارهای محیطی و همچنین قابلیت های آن، در تجربیات افراد مؤثرند؛ با این توصیف که برترین دستاورد محیط می تواند تجربه مطلوب افراد در آن باشد؛ این قابلیت با پیگیری عوامل کالبدی و عوامل ادراکی در خصوص مکان، امکان پذیر است. «مهم ترین عوامل مؤثر، مکان، در دو دسته معانی و ساختار کالبدی فضا قابل بررسی هستند. علاوه بر مؤلفه های کالبدی که نقشی مؤثر در شناخت ساختارها و درک فضا دارند، معانی با ایجاد ادراک درونی فضا، عامل در به وجود آوردن هویت، زیبایی و لذت از فضای ساخته شده هستند» [47]، معماری، یکی از ابزارهای تحقق هویت و معنا در مکان است که پس از بررسی و تحلیل زیرساخت های هویتی و فرهنگی جامعه، خودنمایی می کند. در شکل (3) به مولفه های شکل دهنده ی مکان اشاره شده است.



شکل (3): مولفه های شکل دهنده حس مکان [48]، [49]

یکی از وظایف مهم معماری و شهرسازی تحقق عینی حس مکان است. چنین حسی با تکیه بر مؤلفه های محیطی - کالبدی، ادراکی - شناختی و فعالیتی - رفتاری امکان تجلی و ارتقاء می یابد. در این میان عامل کالبد، نخستین عاملی است که نقش آن در شکل گیری مکان و حس مکان به چشم می آید؛ اما توجه صرف به عوامل کالبدی برای ایجاد سطحی عمیق از حس مکان کافی نمی باشد و بدین سبب عوامل فعالیتی - رفتاری با نقشی بینابینی امکان دسترسی به سطوح میانی حس مکان را میسر می سازند [50].

دستیابی به مراتب ژرف حس مکان در کنار عوامل کالبدی و فعالیتی با بهره از عوامل ادراکی - شناختی که عمدتاً ریشه در لایه های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی و نیز تجارب و خاطرات فردی و جمعی دارند، محقق می شود. آنچه یک فضا را به یک مکان ارتقاء می دهد آمیخته شدن آن با معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش و ژرفا پیدا می کند. پس مکان حاصل معانی است که در طول زمان و با ادراک محیط به دست می آید. البته باید گفت شکل گیری معنای ناشی از ادراک انسانی در بستر زمان، مساله ای است که عمدتاً به بعد ناآگاهانه و ادراکی در لایه های خاموش تجربه افراد دلالت دارد و در روان شناسی از آن به وابستگی و حس تعلق تعبیر می شود که حسی توأم با عاطفه در مکان است. مکان در این صورت ریشه دار تجربه می شود و لایه های مختلف اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد [50].

5_ جمع بندی

5-1- جمع بندی شاخص های مولفه های منظر شهری در راستای حس تعلق به مکان

می توان برخی راهکارهای کیفیت بخش در یک محیط شهری را که می توانند مفهوم حس تعلق به مکان باشند و یا به عبارتی اصالت در آن دارای جایگاه ارزشی است ، اینگونه معرفی کرد :

- 1- تقویت و نمایش نمادهای بیانگر هویت ملی (نشانه و سمبول) ؛
- 2- ایجاد و تقویت رابطه این همانی بین انسان و محیط زندگی (حس تعلق خاطر به بافت) ؛
- 3- ایجاد ارتباط انسان با گذشته و تاریخ خویش (زنده کردن باورها و خاطرات) ؛
- 4- عدم ایجاد احساس غربت در مکان (القاء حس مکان)؛
- 5- تقویت آشنایی ها و وحدت جامعه (هماهنگی و پیوستگی در رفتارشناسی بافت)

جدول (3) : مولفه ها ، معیارها و شاخص های منظر شهری

مولفه	معیارها		شاخص ها
زیباشناختی	عینی	بصری	هنرهای خیابانی و تجسمی (گرافیک ، دیوارنگاری ، تبلیغات شهری ، بلبوردها) - نمای ساختمانها (مصالح ، رنگ ، فرم پنجره ها) - محصوریت و تناسبات بنا - کیفیت رنگ - تقارن بدنه ها - تعادل در کالبد - خط آسمان و خط نما - پیچیدگی و کشف فضا - وحدت و یکپارچگی فضایی
		کالبدی	مبلمان و تجهیزات شهری (ایستگاه اتوبوس ، نیمکت ، سطل زباله و ...) - کف سازی (مصالح ، رنگ ، فرم و ...) - بافت و تزئینات جداره ها - تندیس ها و المان های تعاملی - نورپردازی
		عناصر طبیعی	پوشش گیاهی - درختکاری .. آب و آب نما
ذهنی			آرامش - انبساط خاطر - حفظ و نگهداری - خلاقیت . با معنا بودن سبک - جذابیت

معنایی - ادراکی	هویت - مکانی	فرهنگی - تاریخی	ارزش های فرهنگی و تاریخی - رویدادهای تاریخی - رویدادهای جمعی و فردی - آداب و رسوم و آیینها	
		فیزیکی - کالبدی	بناها و یادمانهای تاریخی نمادها و نشانه ها - عناصر شاخص بصری و کلبدی	
	تعلق	احساس دل بستگی به مکان - خاطره ذهنی قوی - تعلق خاطر احساس امنیت - تجارب حسی مثبت - هویت مندی مکان		
عملکردی - فعالیتی	خوانایی	آشنایی با مکان و موقعیت سنجی - تصویر ذهنی از مکان - حس جهت یابی		
	اجتماعی - فرهنگی	حضور پذیری اقبال مختلف اجتماعی - نظارت اجتماعی و طبیعی بر فضا - تعاملات اجتماعی در مکان - راحتی و آسایش ذهنی در مکان - حمایت از پیاده مداری - وجود نهادهای فرهنگی رویدادهای فرهنگی و هنری		
	فعالیتی	گوناگونی و اختلاط کاربریها .. عملکردهای جاذب و مشوق پیاده مداری انطباق فضا با لگوهای رفتاری - تنوع فعالیت ها وجود کاربری های خدماتی در کینگ ، انباری و ...]		
	عملکردی	درگیر شدن فعال با محیط	نصب فواره ها ایجاد دیدهای مناسب المانهای هنر عمومی	
		درگیر شدن غیر فعال با محیط	نگاه کردن ، شنیدن و ... - برگزاری نمایش های مختلف	
امکان کشف محیط		شرکت در برنامه های نمایشی - شرکت در جمع		

با توجه به مفاهیم اشاره شده در ارتباط با بعد ادراک در منظر در جدول (3) ، می توان راهکارها را در قالب موارد زیر خلاصه نمود:

ارتباط معنی دار میان فرم و عملکرد ؛ قابل ادراک بودن ؛ ترکیب مناسب میان عناصر و ایجاد کل منسجم ؛ توانایی جهت یابی ؛ توجه به حس بینایی، شنوایی ؛ توجه به حواس بویایی و لامسه ؛ وجود حس نظم و الگو ؛ وجود ریتم ؛ وجود تعادل بصری ؛ توجه به زیبایی های بصری و حرکتی ؛ توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی ؛ طبیعی بودن فضا ، مدنیت ، قابلیت حفظ فضا (مراقبت) ؛ میزان تعریف شدگی فضا ؛ وجود معنای تاریخی ؛ توجه به رنگ ؛ بافت و .. (جزئیات سطوح) و وجود مقیاس انسانی .

5-2- جمع بندی شاخص های مولفه های میان افزایی در منظر شهری بافت تاریخی

با توجه به پارامترهای بررسی شده در ارتباط با مولفه های میان افزایی در جدول (4)، می توان معیارها را در قالب مولفه های زیر خلاصه نمود:

توجه به رنگ، سبک و شخصیت و ویژگی های بافت؛ توجه به رابطه متقابل عنصر با سایر عناصر؛ توجه به سازگاری مقیاس عناصر با زمینه؛ توجه به پیوستگی نما به منظور ایجاد رابطه؛ توجه به ارتفاع طبقات و سلسله مراتب بلندی؛ انسجام میان تک بناها، حفظ تداوم دیواره خیابان- توجه به ترکیب مناسب مصالح؛ توجه به سیمای بام خانه ها (خط بام و آسمان)؛ وجود تنوع محلی؛ توجه به گیاهان و آب و هوا؛ توجه به رفتار انسان؛ عوامل فرهنگی، اجتماعی و تاریخی (نظریه مکان)؛ همزیستی مثبت توده و فضا (نظریه شکل - زمینه)؛ توجه به پیوند میان عناصر با عناصر خطی (نظریه اتصال)؛ توجه به دوره ساختمان ها در منظرسازی؛ وجود ریتم؛ مقیاس انسانی؛ توجه به عناصر سیمای شهر لیتچ؛ تاکید بر مراکز و حاشیه؛ توجه به نظام نشانه ها و نمادها و استفاده از نشانه های شاخص در خلق کانون فعالیت.

جدول (4): مولفه ها، معیارها و شاخص های میان افزایی

مؤلفه	معیارها	شاخص ها
فیزیکی	عملکردی	عرض معابر و شبکه دسترسی سواره
		نسبت عرض به ارتفاع در معابر
		الگوهای سلسله مراتبی در شبکه دسترسی سواره
		الگوهای سلسله مراتبی در شبکه دسترسی پیاده
		الگوهای سلسله مراتبی در محل اتصال شبکه سواره و پیاده
		الگوهای سلسله مراتبی در محل اتصال شبکه سواره و گره ها
		الگوهای سلسله مراتبی در محل اتصال شبکه پیاده و گره ها
		مصالح و کف سازی معابر و شبکه های دسترسی
		گره ها و میادین باز شهری
		منظر طبیعی در فضا
		منظر مصنوعی در فضا
		عقب نشینی ابنیه نسبت به معابر
		تقسیم بندی قطعات زمین
جهت گیری ابنیه		

		فاصله بین ابنیه	نحوه تداخل توده و فضا		
		دید ، سکانس ها و چشم اندازها به عناصر منظر و توده ها			
		سبک و تاریخ بناها	توده (کالبد معماری)	کالبدی - محیطی	
		مقیاس و ارتفاع			
		دانه بندی ، تراکم و نسبت فضاهای پرو خالی احجام			
		تناسبات کلی احجام			
		نوع و جنس			
		رنگ			
		بافت			
		نحوه ترکیب مصالح			
		خط آسمان	نما و جداره بنا		
		خط کف			
		بازشوها و ورودی			
		تقسیمات ، خطوط نمای جداره و ریتم های افقی و عمودی			
		بازی نور و سایه بر روی نماها			
		جزئیات اجرایی			
		آرایه های تزئینی			
		کاربری ابنیه			
		توپوگرافی محدوده / نشانه های طبیعی / عناصر سبز / عناصر موثر در شکل بافت/ دیدهای ویژه	بستر طبیعی شهر گذشته	تاریخی	معنایی - هویتی
		مشخصات کالبدی و شکلی توده و فضا در گذشته	الگوهای کالبدی		
		اجزای شهر گذشته و نحوه ارتباط آنها			
		میراث تاریخی به جا مانده با تاریخچه تاریخی خاص آن مکان و نام مکان			
		عناصر نشانه ای خاطره ساز ، نقاط مکث و تایید		بستر انسان ساخت شهر گذشته	

مراسم مذهبی ویژه و اعیاد و جشن ها / اعتراضات مردمی / گذران اوقات فراغت / تعاملات چهره به چهره و رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، تفریحی، اقتصادی و روزمره	کاربری ها ، و رویدادهای فراموش شده گذشته	الگوهای عملکردی		
زیستی	نیازهای انسان	اکولوژی انسان	فرهنگی - اجتماعی	
امنیتی				
اجتماعی				
خودشکوفایی				
احترام	فرهنگ انسان			
معانی				
اشکال و پدیده ها				
حاصل از روابط بین پدیده ها				
ایدئولوژی ، باورها ، ارزش ها و جهان بینی				
دین و مذهب				
کنش و واکنش	حالات و رفتارهای انسان	روابط متقابل اجت		
روابط متقابل اجت				

با توجه به مفاهیم اشاره شده در ارتباط با کیفیات مرتبط با مولفه های میان افزایی در راستای منظر شهری ادراکی (تقویت حس مکان) ، می توان معیارها را در قالب موارد زیر خلاصه نمود :

قابل ادراک بودن (خوانایی) ؛ توجه به رنگ ، سبک ؛ شخصیت و ویژگی بافت ؛ ارتباط معنی دار میان فرم و عملکرد ؛ ترکیب مناسب میان عناصر و ایجاد کلی منسجم ؛ توجه به عناصر سیما (راه ، لبه ، گره ، نشانه ، حوزه) ؛ توجه به حس شنوایی و بینایی ؛ توجه به حس بویایی و لامسه ؛ توجه به حس حرکت ، اعمال پیچیدگی عظیم و پر قدرت ؛ ایجاد شگفتی و اعمال رمز و راز بصری ؛ تفسیر تصورات ذهنی مناسب در فضاء وجود گوناگونی و انعطاف پذیری (تنوع کاربری ها هماهنگ با جزئیات کالبدی) ؛ توجه به سیمای بام خانه ها (خط بام و آسمان) ؛ توجه به وزنها (ریتم های افقی و عمودی و بازشوها) ؛ توجه به نمادپردازی در مکان (بعد مفهومی معماری) ؛ وجود حس نظم و الگو ؛ توجه به چگونگی رابطه بیرون و درون بنا (یکی شدن) ؛ توجه به سه بعد فعالیت ، معنی و کالبد ؛ توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی ؛ تکرار رویدادها (جشن ها و مراسم و ..) ؛ حضور عوامل تداعی کننده خاطرات و نفس انگیزی (استفاده از علائم ، نمادها و ..) ؛ توجه به هویت مکان ؛ درک محیط با تمام حواس ؛ توانایی جهت یابی ؛ تداوم دیواره خیابان ؛ توجه به نظام نشانه ها نمادها ؛ وجود فعالیت بارز در فضا ؛ سازگاری میان مکان با عملکرد ، اقتصاد ، اجتماع و طبیعت ، توجه به گیاهان و آب و هوا .

6_ نتیجه گیری

گسترش ابعاد مختلف شهرنشینی در سالهای اخیر و رواج یافتن اقدامات معماری و شهرسازی جدید نظیر میان افزایی ها، بافت های شهری را تحت تاثیر خود قرار داده است، بطوریکه امروزه، محدوده های وسیعی از شهرهای کشور، با معضلات پیچیده ای از جمله بحران حس تعلق مکانی و هویت شهری رو به رو هستند و روند افت منزلت مکانی - اجتماعی آنها رو به افزایش است. لذا، منظر و سیمای شهری موضوعی مهم و حتی چالش برانگیز در میان صاحب نظران طراحی شهری، معماری و طراحی محیطی است، این وظیفه طراح و برنامه ریز است که با بهره گیری از مولفه های مطرح شده اقدام به خلق و تقویت حس مکان در بافت تاریخی نماید و می بایست باتوجه به مولفه های میان افزایی چنان طراحی کند که برای مردم قابل درک باشد و با خلق فضاهای میان افزایی با کیفیت و مطلوب در میان تراکم ساخت و سازها، پهنه ای با منظر شهری مطلوب مهیا سازند؛ فضاهایی که توان القاء حس مکان به شهروندان را دارند.

لذا طرح میان افزایی برای ارتقای منظر شهری و به تبع آن ارتقای حس مکان در بافت تاریخی به استناد مطالعات صورت گرفته که می تواند منجر به خلق منظر شهری مطلوب در بافت تاریخی گردد و جایگاه حس مکان را در بافت ارتقا ببخشد، می توان راهکارهای جدول (5) که از جنس مفاهیم کیفی می باشد را بر شمرد.

جدول (5): تطبیق شاخص های میان افزایی و مولفه های منظر شهری جهت تقویت حس مکان

مولفه	معیار	نمودعملی
تعلق پذیری	توجه به نیازهای انسانی	توجه به موضوعاتی چون آرامش، ایمنی و زیبایی
	انعطاف پذیری	توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و انجام فعالیت های گوناگون
	سازگاری بصری	متناسب بودن خصوصیات بصری منظر با عملکرد و معنی محیط
اعتماد پذیری	تمایز	عناصر متمایزکننده منظر از نقاط دیگر، تعریف هدف مردم از استفاده از مکان
	اثربخشی	وجود منظر متناسب با عملکرد و نوع فعالیت در محیط
	تداوم و پیوستگی	آشنایی و تجربه شخصی فرد از محیط و منظر
خاطره انگیزی	فرهنگ	توجه به آداب، رسوم و باورهای جامعه در منظر
	حس تعلق	رضایت فرد از منظر و حس تعلق در محیط
	تجربه در محیط	تجربه محیط و اثر منظر
خوانایی	جهت یابی	خاطرات موجود از منظر محیط در ذهن افراد
	روشنی و وضوح	تصویر روشن از فضا در ذهن هر ناظر
	وجود نشانه	وجود عناصر شاخص منظر و نشانه برای شناسایی محیط

انطباق فرم و عملکرد	سهولت خوانش فضا در انطباق فرم و عملکرد	
زیبایی شناسی (زیبایی)	چشم نوازی کالبد فضا یا ترکیب بندی، کیفیت رنگ و مصالح- رابطه با پیوند بنا با محیط	ادراک عمومی و لذت بصری
تنوع	تنوع فرم ها (تنوع عملکردها در حس مکان)	
نفوذپذیری بصری	ارتباط بصری با نقاط مختلف	
شکل و اندازه	وجود نظم هندسی- اندازه مناسب و...	فرم و ریخت شناسی
روابط و چیدمان	چیدمان مبلمان شهری، ارتباط مبلمان شهری با نیازهای انسان	
ابعاد و مقیاس (انسانی)	رعایت و توجه به مقیاس انسانی	
نور	روشنایی و نورپردازی مناسب بنا در شب، استفاده مناسب از نور روز	
تناسب	توجه به تناسب فضایی- تناسب منظر با اندازه فضا	
رنگ	وجود رنگ های آرامش بخش در فضا	

7_ مراجع

- [1] شاه تیموری، ی. مظاهریان، ح. رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه ی تاریخی، نشریه هنرهای زیبا ، 17(4): 29-40: 139 .
- [2] ایمان طلب ، ح . مظفر، ف . فیضی ، م. خاک زند ، م . تبیین الگوی ساختارهای جدید در محیط های تاریخی شهر های ساحلی خلیج فارس. نشریه مدیریت شهری ، 16(47): 7-20: 1396.
- [3] Macdonald, S. Contemporary architecture in historical urban environment. Conservation Perspectives-The Ghetty Conservation Newsletter on Historic Cities, 26(2): 13-15, 2011.
- [4] منصوری ، ا . نسبت هویت با سیمای شهر ، ماهنامه فنی تخصصی نما ، 180-179 : 154-150 ، 1389.
- [5] قلعه نویی، م . دلاکه، ه . ثمره محسن بیگی ، ح . سنجش کیفیت منظر مسیرهای پیاده با استفاده از تکنیک یادداشت برداری و تحلیل عناصر بصری منظر (نمونه موردی: بافت تاریخی هارونیه اصفهان) ، دوفصلنامه مرمت و معماری ایران، 7(14): 139-151: 1396.
- [6] قره بگلو، م. بلال اسکویی، آ. اردبیلی، ا. واکاوی مولفه های کیفی میان افزایشی در بافت تاریخی تبریز (نمونه های موردی : مجموعه ی تجاری مشروطه و صاحب الامر در بازار تاریخی) ، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای) ، 11(1): 31-15: 1399.
- [7] Stokots, D. Altman, I. Handbook of environmental psychology. NewYork: John Wiley and Sons ,2005.

- [8] شاه تیموری، ی. مظاهریان، ح. حناچی، . ساختارهای جدید، واسطه پیوند میان گذشته و آینده (طراحی در مجاورت آب انبار سردار و حمام راه ری در شهر قزوین) ، مجله هفت ضهر ، 37 و 38: 40-55، 1390.
- [9] غضنفریان، ص. نقدبیشی، ر. ضیابخش، ن. . سنجش میزان تاثیر گذاری معیار های معماری میان افزا در طراحی فضاهای فرهنگی، نشریه هویت شهر، 15 (45) : 111-125، 1400.
- [10] Mc Connell, V. & Wiley, K. Infill Development: Perspectives and Evidence from Economics and Planning. RFF DP Art magazine, 8: 10-13, 2010.
- [11] اسدی تبار، ح. شیرانی، ز. مروری بر جایگاه زمینه گرایی در معماری نوین تبریز، دپارتمان معماری و شهرسازی انستیتو مقاوم سازی لرزه ای ایران، کنفرانس بین المللی روش های نوین طراحی ساخت در معماری زمینه گرا، 1393.
- [12] حناچی، پ. و پورسراجیان، م. احیای بافت شهری تاریخی با رویکرد مشارکت. (چاپ دوم) ، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1394.
- [13] قدیری، ب. ساختارهای جدید در محیط های تاریخی. (چاپ دوم) . تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، 1385.
- [14] BYARD, P.S. Innovation and insight in the contemporary architecture of addition. *Harvard Design Magazine*, 23: 8-21, 2016.
- [15] سعیدیان، ف. مصدق، م. ارتقای فرهنگ و حفظ هویت توسط پایداری اجتماعی نمونه مطالعاتی: محله جویباره اصفهان، کرج، مرکز آموزش علمی کاربردی شهرداری، همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، 1392.
- [16] زندوکیلی، س. نظریات جهانی طراحی شهری میان افزا شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی، سومین کنفرانس سالانه بین المللی عمران، معماری و شهرسازی، 1396.
- [17] مسعود، محمد؛ و بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا، بناهای میان افزا در بافت های تاریخی، (چاپ اول) ، تهران: نشر آذرخش، 1392.
- [18] ترک زبان، ش. محمد مرادی، ا. ضوابط طراحی معماری در بافت های تاریخی، نشریه شهر و معماری بومی 1: 53 – 66، 1390.
- [19] Tylor, E.B. Primitive Culture: Researches In to The Development Of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art And Custom. *Nabu Press*, 2: 147-163, 2012

[20] Ujang, N. Place Attachment and Continuity of Urban Place Identify. *Procedia: Social and Behavior Science*, 49: 156-167, 2012 .

[21] Ginting, N & Wahid, J. Exploring Identity's Aspect of Continuity of Urban Heritage Tourism. *Procedia: Social and Behavior Science*, 202: 234-241, 2015

[22] یگانه، م . بمانیان، م. تحلیلی بر ابعاد پیوستگی فضا و توده در عرصه های عمومی شهر، مدیریت شهری، 39: 407-428، 1394.

[23] علوی زاده ، ا. اسلامی ، غ . فرح ، ح . بررسی تاثیر میزان زمینه گرایی بناهای میان افزا بر تداوم حیات بافت تاریخی بازار سنتی ایرانی - نمونه موردی : حریم درجه دو بافت تاریخی بازار سنتی اردبیل) ، پژوهش های معماری اسلامی ، 1: 69-85، 1397 .

[24] تقوی، پ. مظاهریان ، ح . تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری ، باغ نظر، 74: 69-80، 1398.

[25] تولایی، ن . شکل منسجم شهر ، تهران : انتشارات امیر کبیر ، 1386.

[26] گلکار، ک . آفرینش مکان پایدار (تاملاتی در باب نظریه طراحی شهری) ، تهران : دانشگاه شهید بهشتی ، 1390 .

[27] کالن، گ. گزیده منظر شهری، ترجمه منوچهر طیبیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1377 .

[28] جهانشاه، پ . سیمای شهر آنچه کوین لینچ از آن می فهمید، نشریه آبادی ، 17(53) ، 1385 .

[29] گلکار، ک . مفهوم منظر شهری ، مجله آبادی، 17(53) ، 1385 .

[30] وحدت ، س . سجادزاده ، ح . کریمی مشاور، م . تبیین ابعاد موثر بر منظر خیابان در جهت ارتقای خوانش منظر فضاهای شهری مطالعه موردی: خیابان های بافت مرکزی شهر همدان ، نشریه مطالعات شهری ، 4(15) : 35-17.

[31] Lynch , K. *The Image of the City*, Cambridge: MIT Press ,1960.

[32] Cullen , G. *Townscape*. London: The Architectural Press ,1961.

[33] شریفیان ثانی، م . مشارکت شهروندی ، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، 2(8) : 43-55، 1380 .

[34] Swaffield, S. *Landscape as A Way of Knowing the World*. In: HARVEY, S., FIELDHOUSE, KEN, HOPKINS, JOHN (Ed.) *The Cultured Landscape; Designing The Environment In The 21st Century*. Routledge, 2005.

[35] محمودی ، ا . منظر شهری ؛ مروری بر چند نظریه ، نشریه آبادی ، 17(53) ، 1385 .

- [36] گرجی، ب. سیمای شهری؛ بعد رها شده سیاست های شهری در ایران، نشریه آبادی، 17(53)، 1385.
- [37] رضازاده، ر. اصول و ضوابط الزامات و مقررات دفترداری تصویر شهری، پژوهش انجام شده در مرکز مطالعات معماری و تحقیقات شهرسازی، 1386.
- [38] بهزادفر، م. فرهنگ لغت مفاهیم طراحی شهری، طرح پژوهشی انجام شده در مرکز تحقیقات و معماری شهری تهران، 1387.
- [39] کریمی مشاور، م. منصوری، ا. ادیبی، ع. رابطه چگونگی قرارگیری ساختمان های بلندمرتبه و منظر شهری، 7(13): 89-99، 1389.
- [40] فرهودی، ر. تیموری، ی. منظر شهری، هویت فرهنگی یا صنعت فرهنگی، مجموعه مقالات کنفرانس ملی منظر شهری، موسسه مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن جهاد دانشگاهی هنر و فرهنگ، 1389.
- [41] کیانی، ا. سالاری سرداری، ف. بررسی و ارزیابی اولویت های منظر فضاهای عمومی شهر عسلویه با استفاده از مدل ANP، نشریه باغ نظر، 8(18): 25-38، 1390.
- [42] فیضی، م. اسدپور، ع. فرآیند بازآفرینی منظر میدین شهر تهران با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی شهروندان، نشریه مطالعات شهری، 7(2): 3-14، 1392.
- [43] Groat, L.NA Study of Perception of Contextual Fit in Architecture. In: DousAmedeo et al. (Eds.), Proceedings of the 14th Annual Environmental Design Research Association and Practice, Edra, University of Nebraska- Lincoln, 160-161, 1992.
- [44] پاکزاد، ج. سیر اندیشه ها در شهرسازی، تهران: نشر آرمانشهر، 1389.
- [45] منصوری، ت. جهان بخش، ح. چگونگی ارتقای کالبد و منظر شهری از طریق احیای ارزشهای فرهنگی تاریخی شهر، فصلنامه برنامه ریزی کالبدی - فضایی، 1(3): 89-102، 1392.
- [46] Hummon, D.M. Community Attachment: Local Sentiment and Sense of Place. New York: Plenum Press, 1992.
- [47] فلاحت، م. مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا 26(2): 57-66، 1385.
- [48] جوان فروزنده، ع. مطلبی، ق. مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده ی آن، نشریه هویت شهر، 5(8): 27-37، 1390.
- [49] مطلبی، ق. بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری، نشریه هنرهای زیبا، 25: 55-64، 1385.
- [50] قشقایی، ر. موحد، خ. مظطرزاده، ح. تدوین معیارهای طراحی منظر شهری در راستای برانگیزش حس تعلق به مکان، نشریه مدیریت شهری، 50: 435-460، 1397.